****

[**(مسألة 335)** 1](#_Toc487548711)

[بررسی مبدا و منتهی در سعی 1](#_Toc487548712)

[کفایت استیعاب عرفی یا لزوم استیعاب دقی در بدو به صفا و ختم به مروه 2](#_Toc487548713)

[کلام فقها 3](#_Toc487548714)

[نظر مختار: کفایت استیعاب عرفی 5](#_Toc487548715)

**موضوع**: شرائط صحت سعی /سعی /حج- واجبات عمره تمتع

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**(مسألة 335)**

**يبدأ بالسعي من أول جزء من الصفا، ثمّ يذهب بعد ذلك الى المروة‌ و هذا يعد شوطا واحدا ثمّ يبدأ من المروة راجعا الى الصفا الى أن يصل اليه فيكون الاياب شوطا آخر و هكذا يصنع الى أن يختم السعي بالشوط السابع في المروة**.[[1]](#footnote-1)

## بررسی مبدا و منتهی در سعی

سعی بین صفا و مروه باید از اولین جزء کوه صفا شروع شود و به اولین جزء کوه مروه ختم شود و دوباره به عنوان شوط دوم به صفا برگردد و هکذا تا این که شوط هفتم به مروه ختم شود.

این مساله از مسلمات است و فقط از ابو حنیفه نقل شده که بدو سعی از مروه جایز است، ولی روایت می گوید: ابدووا بما بدا الله به، چون در قرآن آمده ان الصفا و المروة من شعائر الله[[2]](#footnote-2) و در قرآن اول صفا مطرح شده است.

یا در روایت دیگر آمده: ابدأ بالصفا و اختم بالمروة

### کفایت استیعاب عرفی یا لزوم استیعاب دقی در بدو به صفا و ختم به مروه

اما مساله این است که آیا بدو به صفا و ختم به مروه باید به استیعاب حقیقی باشد، یا استیعاب عرفی کافی است، استیعاب حقیقی دقی به این است که از کوه صفا که شروع می کند، یا از بالای کوه شروع کند و یا اگر از پایین کوه شروع می کند، پشت پای او و یا کمرش به کوه بخورد تا استیعاب دقی حقیقی شکل گیرد، اما استیعاب عرفی صدق می کند حتی در صورتی که مقدار کمی هم از کوه فاصله داشته باشد.

ظاهر مشهور، لزوم استیعاب حقیقی دقی است، بلکه در ریاض گفته ظاهر، اتفاق اصحاب بر این مطلب است و علامه حلی در تذکره نیز حکم به لزوم رعایت استیعاب حقیقی کرده و این که انگشت پا باید به کوه صفا و مروه بخورد.

این حکم، نظیر وجوب غسل مرفق تا سر انگشتان است که به نحو دقی انجام می گیرد و اگر شروع غسل، نیم میلیمتر پایین تر از مرفق باشد، وضو باطل است و یا در مسح رجلین، ماسح باید دقیقا تا کعبین برسد، و اگر کمی هم خشک بماند، مسح باطل است

و یا در اقامة عشرة ایام گفته می شود اگر دو دقیقه هم کمتر از ده روز بخواهد بماند، مسافر است و باید نمازش را قصر بخواند و یا اقل حیض که سه روز است، اگر دقیقه ای کمتر شود، استحاضه خواهد بود، یا آب کر باید دقیقا به مقدار مشخص شده شرعی باشد و اگر یک قاشق هم کمتر ازآن باشد، گفته می شود که کر نیست.

در این موارد گفته می شود مسامحه عرف ارزش ندارد و باید دید عرف در مقام احتجاج چه می گوید، اگر شخصی قرار بود تا دوازده برسد تا کارش انجام شود، و دقیقه ای دیرتر برسد، احتجاج می شود که دیر آمدی و کارت انجام نمی شود.

### کلام فقها

شهید اول در دروس فرموده: الاحتياط الترقّي إلى الدرج و يكفي الرابعة، فيلصق عقبه بالصفا إذا لم يصعد، فإذا عاد ألصق أصابعه بموضع العقب أوّلا، فإذا ذهب ثانيا ألصق عقبه، و في المروة يصنع ذلك في الذهاب و العود.[[3]](#footnote-3)

شهید ثانی: يجب ..... مقارنتها للصفا، بأن يصعد عليه فيجزي أيّ جزء كان منه، أو يلصق عقبه به إن لم يصعد، فاذا وصل إلى المروة ألصق أصابع رجليه بها، أو دخلها كذلك ليستوعب المسافة التي بينهما، فاذا عاد إلى الصفا ألصق عقبه بالمروة إن لم يكن في داخلها. و هكذا القول في كلّ شوط ذهابا و عودا.[[4]](#footnote-4)

صاحب جواهر: يكفي حينئذ أن يجعل عقبه ملاصقا له، لوجوب استيعاب المسافة التي بينه و بين المروة، نعم قد يحتمل الاكتفاء بأحد القدمين، و لكن الأحوط جمعهما، ثم إذا عاد ألصق أصابعه بموضع العقب حتى يحصل الاستيعاب المزبور الذي عليه المدار في الظاهر.[[5]](#footnote-5)

مرحوم امام نیز در تحریر احتیاط واجب داده و فرموده: يجب على الأحوط أن يكون الابتداء بالسعي من أول جزء من الصفا، فلو صعد إلى بعض الدرج في الجبل و شرع كفى، و يجب الختم بأول جزء من المروة، و كفى الصعود إلى بعض الدرج.[[6]](#footnote-6)

آیت الله سیستانی نیز همین احتیاط واجب را داده اند و در نظائرش هم چنین فرموده اند، مثلا فرموده اند باید قبله ای که معلوم است، دقیقا رعایت گردد و حتی ذره ای هم نباید متفاوت باشد، اما اگر قبله معلوم نبود، سیره بر اکتفاء به همان قبله عرفی بوده و نیازی به استخدام وسائل جدید برای تعیین دقیق قبله نیست.

در مقابل این نظریه، صاحب حدائق فرموده عرف این مقدار سخت نمی گیرد:

المفهوم من الاخبار ان الأمر أوسع من ذلك، فإن السعي على الإبل الذي دلت عليه الاخبار، و ان النبي (صلى الله عليه و آله) كان يسعى على ناقته لا يتفق فيه هذا التضييق من جعل عقبه ملصقة بالصفا في‌ الابتداء و أصابعه يلصقها بالصفا موضع العقب بعد العود فضلا عن ركوب الدرج، بل يكفى فيه الأمر العرفي، فإنه يصدق بالقرب من الصفا و المروة و ان كان بدون هذا الوجه الذي ذكروه.[[7]](#footnote-7)

در ریاض گفته اگر اتفاق اصحاب بر وجوب الصاق پشت پا و انگشتان پا به کوه صفا و مروه نبود، قول به عدم لزوم این دقت و اکتفاء به اقل از این فی محله بود و لکن احوط قول اصحاب است:

بل لولا اتفاق الأصحاب في الظاهر على وجوب إلصاق العقب بالصفا، و الأصابع بالمروة، لكان القول بعدم لزوم هذه الدقة و الاكتفاء بأقلّ من ذلك ممّا يصدق معه السعي بين الصفا و المروة عرفاً و عادةً كما اختاره بعض المعاصرين لا يخلو عن قوّة؛ لما ذكر من أن المفهوم من الأخبار أن الأمر أوسع من ذلك، فإنّ السعي على الإبل الذي دلّت عليه الأخبار و أن النبي (صلّى اللّه عليه و آله) كان يسعى على ناقته لا يتّفق فيه هذا التضييق، مِن جعل عقبه يلصقه بالصفا في الابتداء، و أصابعه يلصقها بالصفا موضع العقب بعد العود، فضلًا عن ركوب الدرج، بل يكفي فيه الأمر العرفي. و لكن الأحوط ما ذكروه.[[8]](#footnote-8)

در مستند نیز قریب به همین بیان آمده است: ..... لولاه لقلنا بعدم لزوم هذه الدقّة و الاكتفاء بالسعي بين الصفا و المروة، و الابتداء بالأول و الختم بالثاني عرفا، كما اختاره بعض مشايخنا، لأنّ العرف هو المرجع في أمثال ذلك، سيّما مع تصريح‌ الصحاح بجواز السعي على الإبل و وقوعه من الحجّ، و لا شكّ أنّه لا تقع معه هذه الدقّة، إلّا أنّ ظاهر الاتّفاق يمنع من الجرأة على الفتوى به.[[9]](#footnote-9)

محقق خوئی فرموده: اولا چسپاندن پشت پا به کوه لازم نیست و همین که به کوه برسد و سایر بدن را بچسباند کافی است، علاوه بر این که اصل این مطلب نیز عرفی نیست که چنین استیعاب دقی لازم باشد.

### نظر مختار: کفایت استیعاب عرفی

به نظر ما هم همین استظهار عرفی کافی است، مثلا اگر مولای عرفی بگوید از کوه خضر تا میدان دانشگاه ایاب و ذهاب کنید، عرف که انگشت و پشت پا را به این دو مکان نمی زند، بلکه همین که عرفا به میدان دانشگاه برسد یا به کوه خضر برسد، در صدق عرفی کفایت می کند.

ان قلت: حتی بنا بر لزوم استیعاب حقیقی، در مثل زیر زمین مسعی لازم نیست الصاق پا شود، زیرا مهم استیعاب حقیقی مسعای زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که آن کوه را تراشیده اند، و اگر کمتر از محل کوه فعلی هم سعی کنیم، به آن مقدار رسیده ایم.

قلت:

اولا: این مطلب مسلم نیست که کوه را تراشیده باشند و مسعی موسع شده باشد.

ثانیا: برخی مثل آیت الله سیستانی قائلند که زمان فعلی مهم است و اگر مسعی اطول شود، باید فاصله موجود بین الجبلین را سعی کنیم و این قضیه حقیقیه است.

خلاصه این که اگر استیعاب حقیقی لازم باشد، مواجه با این مشکل خواهیم بود که سعی از زیر زمین مشکل دارد، با این که آیت الله سیستانی فرموده کافی است و توجه به این نداشته اند که آخر مسعی، دیوار کشیده شده و کوه صفا و مروه در پشت این دیوار قرار دارد.

و لکن به نظر ما مهم صحت سلب و عدم صحت سلب عنوان سعی است، اگر عرفا صحت سلب از سعی غیر دقی داشته باشد، سعی صدق نمی کند و گرنه صدق می کند مثل دیگر مواردی که عرف صحت سلب قائل نیست، مثلا آب کلر زده را عرف آب می داند و سلب عنوان آب ازآن را نمی پذیرد.

در حالی که در مثال هایی که قبلا به عنوان نقض زده شد، صحت سلب پذیرفته شده است، مثل کسی که دقایقی کمتر از ده روز در محلی بماند که عرف می گوید ده روز نماندی، یا اگر مقداری از مرفق هم شسته نشود، عرف صحت سلب قائل است.

اما در مسعی اگر یک وجب مانده به مروه برگردد به طرف صفا، صحت سلب عنوان سعی وجود ندارد، ولو از باب متعارف خارجی، مثلا یک کیلو گندم از مغازه می خریم، با این که مقداری خاک دارد، ولی پذیرفته می شود که یک کیلو گندم خریده است، اما در طلا ذره ای ناخالصی باشد، عرفا یک کیلو طلا صدق نمی کند.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 145](http://lib.eshia.ir/21006/1/145) [↑](#footnote-ref-1)
2. [سوره بقره، آيه 158.](http://lib.eshia.ir/17001/1/24) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة‌، شهید اول، ج1، ص140.](http://lib.eshia.ir/10020/1/140/السعی) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مسالک الافهام، شهید ثانی، ج2، ص357.](http://lib.eshia.ir/10151/2/357/السعی) [↑](#footnote-ref-4)
5. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج19، ص419.](http://lib.eshia.ir/10088/19/419/السعی) [↑](#footnote-ref-5)
6. [تحریر الوسیله، امام خمینی، ج1، ص437.](http://lib.eshia.ir/21010/1/437/السعی) [↑](#footnote-ref-6)
7. [حدائق الناضرة، یوسف بحرانی، ج16، ص265.](http://lib.eshia.ir/10013/16/265/السعی) [↑](#footnote-ref-7)
8. [ریاض المسائل، سید علی طباطبایی، ج7، ص119.](http://lib.eshia.ir/27154/7/119/السعی) [↑](#footnote-ref-8)
9. [مستند الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج‌12؛ 169؛ ب: قالوا في كيفية البدأة و الختم بإلصاق العقب بالصفا و الأصابع بالمروة، ؛ ج 12، ص : 168](http://lib.eshia.ir/10153/12/168) [↑](#footnote-ref-9)